**بیست شهر و هزار فرسنگ**

**افشار، ایرج**

متن عبارات منقور بر سنگهای مسجد جامع قائن عبارت است از:

«...در عهد...ابو المظفّر ابو المنصور شاه سلیمان الحسنی...بمیامن‏ توفیقات ربّانی نوّاب...صف‏شکن خان امر نمود بتعمیر این بیت اللّه و بسعی حاج... محمد حسین صورت اتمام یافت،تحریرا فی تاریخ 1018 کاتبه محمد صالح.»

«فرمان همیون شد آنکه...بنابر ترفیه حال رعایا در معاملهء سیچقان ئیل‏ ما لو جهات و وجوهات جماعت مذکوره ضمن رعایا فیوج ممالک محروسه سوای‏ کاولیان و لولیان و هندویان مشهور به خطیران و حسن ابد اللو و بغداد لو و توابع که‏ مقرر است که از عهدهء مالیهء خود بیرون آیند به قید همه ساله بتخفیف و تصدق مقرر فرمودیم وزیر و کلانتر و عمّال و مستأجر و همه‏ساله‏دار سر کار قاین حسب المسطور مقرر دانسته از تاریخ مذکور یک دینار به هیچ‏وجه من الوجوه به علت مالیه و حقوق‏ دیوانی جماعت ضمن رعایا فیوج طلب ننموده مزاحمت نرسانند و جار نموده جمیع‏ مردم را خبر سازند که مطلع گردند که مالیه ایشان بتخفیف مقرر شده یک دینار به‏ احدی ندهند و صورت حکم مذکور را بر سنگ نقش نموده بر در مساجد و بقاع الخیر که منظور نظر خلایق بوده باشد نصب نمایند و تغییر کننده را مورد سخط و غضب‏ شاهانه شناسند که ثواب آب بروزگار فرخنده آثار عاید گردد و همه‏ساله‏داران و مستأجران وجوه مذکور بشرح فوق عمل نموده از تاریخ ورود پروانچهء اشرف یک‏ دینار بعلت مالیه و حقوق دیوانی جماعت ضمن رعیتخانه که به اجاره و همه سالهء ایشان‏ مقررست بازیافت نکرده طلبی ننمایند و از اجارهء همه سالهء خود برطرف دانند و اگر از جماعت کاولیان و غیره که مالیه ایشان بتخفیف مقرر نشده احدی به امر دشتبانی‏ و غیر آن که بموجب ضمن بتخفیف مقررست طلبی نکرده آنچه بعلت ما لو حقوق‏ کاولیگری و غیره که بتخفیف مقرر نشده متوجه ایشان باشد موافق حق و حساب بازیافت نمایند وزارت و رفعت پناه عزت و معالی دستگاه آصفی جلا لا خواجه بیکا وزیر خراسان چون مالیهء جماعت ذیل رعایای رعیتخانه که به تخفیفی مقرر نشده‏ تخفیف رسیده مشخص نمایند جماعت کاولیان و جماعت هندویان مشهور به خطیران‏ و جماعت حسن ابد اللو و جماعت بغداد لو و توابع که از جملهء رعیت خانهء الکای‏ مزبور چه مبلغ رسد جماعت ظهر است که بتخفیف مقرر شده و چه مبلغ رسد جماعت فوق است که می‏باید از عهدهء مالیهء خود بیرون آیند و نسخهء منقّحه بررسد جمعی که بتخفیف مقررست در دست داشته بدفترخانهء همیون فرستند که مستوفیان‏ عظام کرام دیوان اعلی بعد از عرض در دفاتر از آن قرار عمل نمایند و اگر تا ورود حکم اشرف مستأجر و همه‏ساله‏دار بررسد جمعی که بتخفیف مقرر شده در سیچقان ئیل چیزی گرفته باشند نسخهء آن را به دفترخانهء حمیون فرستد که از آن‏ قرار جمع شده بهمه ساله حساب شود و آنچه کسر نماید بعد از عرض عوض دهند همه‏ساله‏دار و مستأجر وجوه رعیتخانهء الکای مذکور از تاریخ صدور پروانهء اشرف‏ بشرح فوق عمل نموده به علت رسد جمعی که بتخفیف مقرر شده طلبی ننمایند و رسد جمعی که بتخفیف مقرر نشده پروانچهء وزیر خراسان سازد و تصدیق دفتر در باب‏ استمرار ملازمت داشته از آن قرار طلب نمایند و اگر چیزی کسر نماید تصدیق‏ وزیر گرفته به دیوان آورند.مستوفیان عظام رقم این عطیّه در دفاتر خلود ثبت نموده‏ از شائبهء تغییر و تبدیل مصون شناسند و آنچه بعلت مالیه رسد جماعتی ظهر جمع‏ باشد از دفتر اندراج نمایند و رسد جمعی که به تخفیف مقرر نشده از قرار آنچه وزیر خراسان مشخّص سازد نسخه بدیوان فرستد بعد از عرض در دفاتر عمل نمایند درین‏ باب غدغن دانند.فی تاریخ محرم الحرام سنهء 1046.»1

متن سنگ سیاه‏رنگ که در غرفهء چهارم دست راست نصب است

«چون مزرعهء جعفرآباد مشهور به می بازار واقع در بلدهء قائن چند سال بایر بود درینولا اولاد...و مرحمت پناه مغفوری میرزا عرب قائنی مالکان مزرعهء مذکور (1)-این فرمان با تفاوت چند کلمه مطابق است با متن سنگی که در مسجد جامع یزد وجود دارد(نگاه کنید به فرهنگ ایران زمین جلد یازدهم).

آب آن را جاری کردند و شرط کردند که زراعت آن ر ادر بیرون شهر بجهت نفع کنند و همه ساله آب آن متّصل از در مسجد جامع و بازار می‏گذشته باشد تا مؤمنان و مسلمانان که رجوع بمسجد و بازار داشته باشند از آن فایض بوده دعای پادشاه جمجاه‏ ستاره سپاه ظل الّلهی می‏گفته باشند و ثواب آن به روزگار مالکان برسد و خلاف کنندهء شرط مذکور به لعنت خدا و نفرین خدا و رسول گرفتار گردد.بتاریخ سنهء شهر رجب 1046.»

\*\*\* ظهر به بیرجند رسیدیم.شهری است که میان کوهها و برفراز تپه‏های خاکی ساخته‏ شده از آثار بنائی و سنگی چیزی که چنگی به دل درآویزد درین شهر نیست.مساجدش جدید و مدارسش‏ از عهد شوکت الملک علم است.شهرت شهر به باغهای اطراف است که حشمت الملک و شوکت الملک‏ احداث کرده‏اند،مانند اکبریه و شوکتیه.اکبریه عمارتی دارد که با قالیهای زیبای محلی به جمالی‏ تمام فرش شده است،اما از حیث بنابر دیگر عمارات عصر قاجاری که خوانین یا شاهزادگان در ولایات ساخته‏اند برتری ندارد.

میان بیرجند تا دوراهی زابل و زاهدان تنها آبادی قدیمی و بزرگ شوسف است.شوسف‏ مرکز نه و بندان است.پس از آن حسین آباد بر سر راه است.یزدی با همتی آنجا را آبادان ساخته‏ و خود چند سال پیش در گذشته است.سپس بیچاره دهی است به نام سفیدابه که پاسگاهی دارد.چون‏ دیروقت و شب‏هنگام شده بودبه لطف رئیس پاسگاه در اطاق تازه‏ساز پاسگاه بیتوته کردیم.پاسگاه‏ را به تازگی ساخته‏اند.برق داشت و شبمان تاریک نگذشت.

از سفیدابه تا دو راهی که هجده فرسخ تمام بیابان است نه آب است و نه آبادی سراسر بیابان‏ است و ریگ.گاهی تک بته‏های گز در دو سوی جادهء زابل و ویرانه‏های بسیار قرار دارد که حکایت از گذشته‏ای آبادان می‏کند.سرخ کلات،گرده کلانه،ناورچاه،گردی،رم‏رود از آن جمله است. در کمر راه ناسوکی قرار دارد که محل پاسگاه ژاندارمری است و چند کلمه و مختصر آب شور مظهر حیات و تمدن در آن بیابان به شمار تواند آمد.

بعد بیابانی شروع می‏شود که در آن شهر ویران شده مشهور به«قلعهء رستم»واقع شده‏ است.قلعهء رستم چهار کیلومتر از جاده فاصله دارد.شهری است در حدود دو کیلومتر در یک‏ کیلومتر که بناهای معتبر و قلعه‏های معظم دارد و چهار پنج قرن است که متروک شده است.به حدس دکتر منوچهر ستوده حوضدار و کندر قدیم را در همین منطقه باید جست.

پس از قلعه رستم به شهر سوخته رسیدیم از شهر سوخته چیزی باقی نیست مگر مقداری‏ کثیر سفال و تیله شکسته که بر روی چند تپه و بر کنار جاده قرار دارد.باید حفریات علمی در آن ویرانه‏ بشود با بتوان حکم قطعی بر دوران تمدن آن کرد.آن قدر که حدس می‏توان زد از آثار ایام‏ ما قبل تاریخ است.سفالهایش به سفالهای سیلک کاشان شباهت تام دارد.

در شهر زابل آثار قدیم نیست،زیرا شهری است تازه‏ساز.نامش پنجاه سال پیش نصرت آباد بوده است.اما از هرسوی زابل که دور شهر شویم به شهرهای قدیم و آثار کهن می‏رسیم.در قاسم‏آباد نزدیک بنجار(که این ده اخیر دو فرسنگ تا شهر فاصله دارد)میل زیبائی متعلق به دوران سلجوقی‏ با کتیبهء کوفی تا سه‏چار سالی پیش برجای بوده است که اهالی محل آن را خراب کرده‏اند.فقط برای آنکه آجرهایش را ببرند.خوشبختانه عکسی ازین منار در کتب سیاحان انگلیسی شصت‏هفتاد سال‏ پیش به‏جای مانده است،مانند Tate و .Kennion

متأسفانه هنوز از طرف باستانشناسانمان تحقیقات لازم دربارهء نقاط تاریخی و شهرهای ویرانهء آنجا بعمل نیامده و نقشه‏ای درست نکشیده‏اند که خرابه‏های وسیع شهرستان و سکوهه و قلعه‏رستم‏ (ظاهرا همان حوض‏در)و رامرود و دیر نقاط آن پهنه را بشناساند.

در قاسم‏آباد با آقای حمید کلانتری از بزرگان خاندان کلانتران‏ سیستان آشنا شدیم.مردی‏ است که حدود شصت‏وپنج‏ سال از عمرش می‏گذرد. مقادیری اسناد و فرامین‏ از سلاطین دارد که خطاب‏ به پدرانش نوشته شده است. این فرامین از شاه طهماسب‏ صفوی،شاه عباس اول ثانی، شاه سلطان حسین،تیمور شاه و احمد شاه درانی‏ نادر شاه افشار و سلاطین‏ قاجار است.ولی افسوس‏ که همه‏پاره و مندرس‏ شده و درست نگهداری‏ نشده است.

آقای کلانتری مردی‏ است که خطهء سیستان را خوب‏ می‏شناسد و اطلاعات مفیدی‏ را سینه‏به‏سینه یاد می‏آورد. آنچه از سبب ویرانی سیستان‏ در عهد تیمور گورگانی‏ روایت کرد با ضبط تواریخ‏ اختلافات فاحش نداشت.

این است متن فرمانی که از شاه طهماسب در دست ایشان است تنها مجال استنساخ همین‏ یک سند در آن یک ساعت میسر شد:

«فرمان همیون شد آنکه چون به عرض رسید که موضع بیشه و گسنک از اعمال سیستان بر ممرّ راه الکای مذکور قندهار واقع است و قورچیان عظام و ملازمان‏ امرای کرام و غیر ذلک که به مواضع مذکور می‏رسند رعایا را اخراجات صادر و وارد واقع می‏شود که رعایای ولایت مذکور با ایشان دست یکی نمی‏دارند و این صورت سبب پریشانی مزارعان موضع مذکوره می‏شود.بنابراین مقرّر فرمودیم‏ که اخراجات سر راهی که رعایای موضع مذکور را واقع می‏شود در کل الکای‏ مذکور رعایا و شرکا با مزارعان آنجا دست یکی داشته داخل توجیهات و اخراجات‏ استصوابی آنجا نموده رسد رعایای مذکور حساب کرده به زیاده و کم رجوع‏ نماید،بعهدهء فرزندی اعزی نصرت شعاری ابو الفتح بدیع الزمان میرزا و عمدة العاظم‏ محمد خان آقا که درین باب امداد حسابی تقدیم رساند.فی شهر ربیع الاول یونت ئیل‏ ست و ستین و تسعمائه.

شب مهمان آقای موسی سالاری از مردم نیکوکار شهر بودیم.صبح،آفتاب‏نزده بقصد دیدن‏ «دهنهء غلامان»یعنی محل خرابه‏هائی که توسط هیأت باستانشناسی ایتالیائی حفاری شده و از زیر ریگ‏ بیرون آمده است به‏سوی بندزهک راندیم.پس از گذشتن از«قلعهء نو»که در مسیر حرکت تپه‏های‏ ریگ قرار دارد به دهنهء غلامان رسیدیم.اینجاست آن بناهائی که ظاهرا بازمانده از دوران اشکانی است و بکلی‏ زیر ریگ مدفون و پنهان بوده است و با دقت علمی از زیر خاک خارج کرده‏اند.این عمارات از خشتهای خام‏ بزرگ ساخته شده و مقداری هم آجر بهمان قطر و شکل خشتها که از نظامیهای امروزی خودمان قطورترست‏ در آنها به‏کار رفته است.

\*\*\* کوه خواجه یگانه کوه در پهنهء خاک بوم سیستان است.دورتادور آن را دریای هامون فرا گرفته است.دریای نامدار و پهناور گذشته امروز به‏صورت نیزاری وسیع با مختصر آبی کدر جلوه‏گری‏ می‏کند.ارتفاع کوه بیش از پانصد متر نیست.کوه سنگی است.این کوه مقدس بوده است و امروز هم زیارتی‏ است.اعتقاد زردشتیان بر این است که«سوشیانس»ازینجا ظهور خواهد کرد.بر دامنهء کوه خرابه‏های‏ متعدد که بازمانده از دوران اشکانی است وجود دارد.بر سطح کوه گورهای بسیار قرار دارد که غالبا از سنگ است و نشانی است از آنکه مردگان خود را بدین جای مقدس می‏آورده‏اند و به خاک‏ می‏سپرده‏اند.

روزی که به کوه خواجه می‏رفتیم روز چهارشنبه و سوم نوروز بود. کوه از شهر زابل بیست‏ کیلومتر فاصله تارد. اتوموبیل تا نزدیکی دریاچه(نیزار)به دهی کوچک که محل زندگی عده‏ای‏ صیادست آمد.آنجا پیاده شدیم و به زحمت زیاد توانستیم یکی توتین بگیریم و به کنار کوه برویم.

توتین عبارت است از چندین بسته نی که به هم می‏بندند و تخته مانندی بطول سه‏چهار متر و عرض یک متر می سازند و بر آن می‏نشینند و با چوبی که به ته آب فشار می‏دهند آن را می‏رانند.وجه تسمیهء این‏نوع زورق به توتین مأخوذ از لفظ«توت»است که در لهجهء زابلی برین جنس نی اطلاق‏ می‏شود.یک توتین در زمستان دو ماه و هنگام تابستان فقط یک ماه دوام دارد،زیرا آب در آن نفوذ می‏کند.هر صیادی در سال بین هشت تا ده توتین باید بسازد.ساختن هر یک از آنها یک روز مدت‏ می‏گیرد و سه کارگر آن را می‏سازند.توتین‏بان ما از ستم رئیس صیادان می‏نالید که روزی پانزده‏ ریال بیشتر به او سهم نمی‏دهد.

علت دشواری در پیدا کردن توتین به علت کثرت جمعیت بود که درین روز از اطراف برای‏ زیارت می‏آمدند.سیستانیان را رسم برین است که نخستین چهارشنبهء اول سال با ساز و دهل دسته‏ و دسته و اکثرا پیاده از دهات اطراف به آبادیهای نزدیک خود که دارای زیارتگاهست می‏روند. تقریبا با همان مراسمی که در سیزده نوروز نیز تکرار می‏شود.در راه کوه خواجه نیز زیارتی‏ هست بنام زیارت حضرت عباس.آنجا نیز خیل جمعیت صحرا را فراگرفته بود.

\*\*\* چنانکه اشاره شد در پهنهء سیستان،از شهر زابل تا دو راهی زاهدان به بیرجند،خرابه‏های‏ متعدد از آثار تمدن قدیم مربوط به دوره‏های مختلف هست. قلاع و خرابه‏های بسیاری دیده‏ می‏شود که اکثرا به‏علت تغییر مسیر شعب هیرمند و بخصوص شکستن بند سیستان بدست تیمور متروک شده است.ازین‏نوع خرابه‏ها در سراسر خاک سیستان خواه در بخش ایران و خواه در بخش‏ افغانستان فراوان است.در راه ما بر دست چپ جاده«ارگ سام»قرار دارد که قدمتش به دوران‏ سلجوقی و پیش از آن می‏رسد و از حیث عظمت و استحکام مانند قلعهء جلالی کاشان است. ولی متأسفانه‏ جز دیواره‏های آن چیزی بجای نمانده است.و مساحت این قلعه حدود پانصد گز در پانصد گزست.

کمی دورتر از آن(به فاصلهء چهار کیلومتر)ارگ سکوهه بر فراز تپه‏ای در ده سکوهه سر برافراشته‏ است که ارگی جدیدترست و تا قرن گذشته مسکن طوایف بلوچ بوده است.بعد شهر سوخته است و قلعه رستم که شرح آنها گفته آمد.تپه‏های کهنهء پور زال و طالب خان در چپ و راست جاده از آثار پیش از اسلام و پیش از تاریخ است که نظیر شهر سوخته است و حکایت از قدمت بسیار آن دو تپه می‏کند.

از ویرانه‏های دیگر بر کنار راه شهر قلعهء رامرود است که سه کیلومتر از جاده دورست. ریگ و باران چیزی از آن بجای نگذاشته است. جز دیوارهای اصلی قلعه و دیوار بلند آسیا که‏ بر آن با خشت نقشهای بدیع ایجاد کرد بوده‏اند اثری دیگر بجای نیست.

فرهنک(معارف)سیستان بی‏تردید زادهء همت و بالیدهء دست استاد اجل سید جلیل سید محمد فرزان است که مدت هفت سال از ایام جوانی خود را در بیابانهای بی‏درخت آنجا در پروردن جوانان‏ صرف کرد و امروز مردم سیستان نامش را چنانکه باید به نیکی یاد می‏کنند.

\*\*\* زاهدان شهری است جدیدساز.اساس آن دزدآب سابق بوده است که قریه مانندی بوده است. طبعا از آثار قدیم و خرابه که مطلوب ما بود درین شهر خبری نبود.شب را در هتل پارک گذراندیم‏ که جز دو کلمهء اسم چیزی از تمدن حقیقی فرنگی در آن دیده نمی‏شد.این نوع مهمانخانه‏ها حکایت زاغ و کبک است.به عبارت دیگر نه زنگی زنگند و نه رومی روم.

در چنین هتلی که به خطی غیر جعلی«توالت»و«داینیک روم»نوشته‏اند و شمارهء اطاقها را فقط به عدد فرنگی نمایانده‏اند از زیبائی و نظافت و لطف نشانی نیست.جائی است که انسان فقط آن را در تاریکی‏ می‏پسندد،برای آنکه بخوابد و باز به بیابان فراخ و پاک پناه برد.چون مرکبمان دیروقت‏ راهوار و قبراق شد شبی دیگر بی‏تابانه در زاهدان ماندیم.